

ORIGINAL ARTICLE

A New Research on Debt Origination in Merchant Suspension Lawsuit

Hossein Shahid¹ , Ali Eslami Panah², Ali Rostamifar³

1. Ph.D. Student, Faculty of Law, International Qeshm Branch, Islamic Azad University, Qeshm, Iran.

2. Assistant Professor, Faculty of Law, University of Tehran, Tehran, Iran.

3. Assistant Professor, Faculty of Law, International Qeshm Branch, Islamic Azad University, Qeshm, Iran.

Correspondence:
Ali Eslami Panah
Email: dr.eslamipanah@gmail.com

Received: 21/Jan/2024
Accepted: 16/Mar/2024

How to cite:

Shahid, H.; Eslami Panah, A.; Rostamifar, A. (2024). A New Research on Debt Origination in Merchant Suspension Lawsuit, Civil Law Knowledge, 13 (1), 19-28. (DOI: [10.30473/clk.2024.70343.3235](https://doi.org/10.30473/clk.2024.70343.3235))

ABSTRACT

The debt origination in the bankruptcy cases is one of the controversial issues among lawyers and this difference of opinion is also reflected in the decisions of the courts. Determining and recognizing the debt origination and examining its impact on bankruptcy case in correction of inadequacies and deficiencies and facilitating the quality of processes and finally issuing fair judgments by the courts and judicial procedure is fruitful and thus improves the quality of justice. The legal phenomenon of "debt payment suspension" is created due to economic factors, but has legal effects. Considering the scope and dimensions of inability to pay debts, two legal systems of bankruptcy and insolvency have been considered in Iranian legal system. In the institution of bankruptcy, The legislator has considered the economic realities more comparing to debt itself and in some cases, this issue has caused bankruptcy law to deviate from the general principles of law and civil law and even in cases where businessmen aren't able to pay debts that are not commercial, the law has obliged them to request for bankruptcy according to the provisions of the Commercial Law. The legislative path implies that the debt origination does not affect the bankruptcy case. Finally, we reach the goal that there is no separation between the merchant's assets and this opinion is strengthened that regardless of the type of debt origination that has been obtained, simply depriving the ability of merchant to pay the debt will result in bankruptcy.

KEYWORDS

Claims in Bankruptcy, Debt Origination, Insolvency, Merchant Suspension Lawsuit, Suspension of Debt Payments.



«مقاله پژوهشی»

کاوشی نو در باب منشأ دین در دعوی توقف تاجر

حسین شهید^۱، علی اسلامی پناه^۲، علی رستمی فر^۳

چکیده

منشأ دین در دعوی ورشکستگی از موضوعات مورد مناقشه بین حقوقدانان بوده و این اختلاف عقیده در آرای محاکم نیز انعکاس یافته است. تعیین و شناخت منشأ دین و بررسی تأثیر آن در دعوی ورشکستگی در اصلاح نارسایی‌ها و کاستی‌ها و تسهیل کیفی‌سازی فرایندها و در نهایت صدور آرای عادلانه از سوی دادگاه‌ها و رویه قضایی مثرثمر است و بدین ترتیب کیفیت عدالت را بهبود می‌بخشد. پدیده حقوقی «توقف از پرداخت دین» به دلیل عوامل اقتصادی ایجاد می‌شود، اما آثار حقوقی بر جای می‌گذارد. با توجه به قلمرو و ابعاد ناتوانی از پرداخت دین، دو نظام حقوقی اعسار و ورشکستگی، در نظام حقوقی ایران در نظر گرفته شده است. قانونگذار، واقعیات اقتصادی را در نهاد ورشکستگی بیشتر از اعسار در نظر گرفته است و همین موضوع باعث شده است. در برخی موارد، حقوق ورشکستگی از اصول کلی حقوقی و حقوق مدنی منحرف شود و حتی در مواردی که تاجر، در پرداخت دیونی که جنبه تجاری ندارند، ناتوان هستند، تاجر را مکلف کرده تا مطابق مقررات قانون تجارت، رسیدگی به امر ورشکستگی خود را درخواست کند. مسیر قانونگذاری دلالت بر آن دارد که منشأ دین و ماهیت آن تأثیری در دعوی ورشکستگی ندارد. در نهایت به این هدف می‌رسیم که تفکیکی بین دارایی تاجر صورت نمی‌گیرد و این عقیده تقویت می‌شود که بدون توجه به منشأ یا نوع دینی که حاصل شده است، صرف سلب قدرت پرداخت تاجر از پرداخت دین موجب تحقق ورشکستگی است.

واژه‌های کلیدی

اعسار، توقف از پرداخت دین، دعوی ورشکستگی، دعوی توقف تاجر، منشأ دین.

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بین‌الملل قشم، قشم، ایران.
۲. استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
۳. استادیار گروه حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بین‌الملل قشم، قشم، ایران.

نویسنده مسئول:

علی اسلامی پناه

رایانامه: dr.eslamipناه@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۶

استناد به این مقاله:

شهید، حسین؛ اسلامی پناه، علی؛ رستمی فر، علی (۱۴۰۳). کاوشی نو در باب منشأ دین در دعوی توقف تاجر، دوفصلنامه علمی دانش حقوق مدنی، ۱۳ (۱)، ۱۹-۲۸.

(DOI: [10.30473/clk.2024.70343.3235](https://doi.org/10.30473/clk.2024.70343.3235))

مقدمه

در شریعت اسلام بر تأدیه دین تأکید زیادی شده است و فقها، تلاش در جهت ادای دین را واجب دانسته و حتی برای تمهید مقدمات، مدیون را به میانه‌روی و اقتصاد در نفقه واجب‌النفقة خود توصیه کرده و ماطله بر تأدیه دین را در صورت قدرت بر پرداخت جایز ندانسته‌اند. بازرگان کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجاری قرار دهد. رخدادهای و گوناگونی‌ها در عرصه اقتصاد و بی‌تدبیری، موجب می‌شود که بازرگان توانایی پرداخت به موقع بدهی‌های خود را از دست بدهد و اصطلاحاً گفته می‌شود تاجر ورشکسته شده است. بنابراین، ورشکستگی یعنی ناتوانی تاجر از پرداخت دین که به موجب حکم دادگاه تاجر دچار آن می‌شود.

ورشکستگی، خاص تاجر و از نهادهای ویژه تجاری و مشمول باب یازدهم الی شانزدهم قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ و قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی مصوب ۱۳۱۸ است. نخستین پرسش این است که چه شخصی تاجر است و چه شرایطی جهت صدور حکم ورشکستگی لازم است؟ عدم پرداخت چه نوع دینی موجب ورشکستگی تاجر می‌گردد؟ آیا صرفاً توقف از پرداخت دیون تجاری، جواز صدور حکم ورشکستگی است یا اینکه وقفه در پرداخت دیون مدنی نیز موجب ورشکستگی تاجر می‌باشد؟

مطابق ماده ۴۱۲ قانون تجارت، «ورشکستگی تاجر یا شرکت تجاری در نتیجه توقف از تأدیه وجوهی که بر عهده اوست، حاصل می‌شود. حکم ورشکستگی تاجری که حین الفوت در حال توقف بوده را تا یک سال بعد از مرگ او نیز می‌توان صادر نمود». بنابراین، طبق قانون تجارت، ورشکستگی تاجر یا شرکت تجاری، در نتیجه توقف از تأدیه دیونی که بر عهده اوست، حاصل می‌گردد. بنابراین، جهت صدور حکم ورشکستگی باید اولاً بدهکار تاجر باشد و ثانیاً در پرداخت دیونش وقفه (توقف) حاصل شده باشد. (حاجعلی، ۱۴۰۱: ۲۸)

با توجه به ظاهر ماده و الفاظ آن، اطلاق موجود در آن ما را به این نکته هدایت می‌کند که تفاوتی در ماهیت دین و منشأ آن وجود ندارد و هر دینی با هر منشائی باعث وقوع ورشکستگی می‌شود. این امر در ذکر شرایط دینی که باعث ورشکستگی است. (قلیچ خان و جمشیدی، ۱۳۹۹: ۱۶) ماده ۴۱۲ قانون تجارت، دین را به صورت مطلق آورده و وجه تجاری بر آن ننهاده است؛ در نتیجه هم شامل دین تجاری (که البته در این بخش اختلاف نظری وجود ندارد) و هم شامل دین غیرتجاری می‌شود. (مهرابی، ۱۳۸۹: ۴۱)

لزوم تاجر بودن شخص بدهکار

هر شخصی، حقیقی یا حقوقی که یکی از انواع معاملات مقرر در

ماده ۲ قانون تجارت را شغل خود قرار دهد، تاجر محسوب می‌شود. تشخیص اینکه شخص تاجر است، در صلاحیت دادگاه ماهوی می‌باشد و دادگاه رسیدگی‌کننده ماهوی، با توجه به ماده ۱ قانون تجارت و با استفاده از دلایل، قرائن و امارات، تاجر بودن شخص را باید احراز کند.

اشخاصی که به اعمال تجارتی اشتغال دارند، ولی معاملات را به حساب و برای دیگری انجام می‌دهند و همچنین اشخاص محجور، به دلیل نداشتن اهلیت، مشمول عنوان تاجر قرار نمی‌گیرند و بنابراین، مشمول مقررات ورشکستگی نیز نمی‌شود. (محمدزاده وادقانی، ۱۳۹۶: ۲۹)

طبق ماده ۴۱۲ قانون تجارت، ورشکستگی ویژه تجار بوده و برای آنکه بتوان حکم ورشکستگی شخص حقیقی یا حقوقی (شرکت تجاری) را صادر نمود، باید شخص مذکور مطابق قانون تاجر باشد.

این قاعده که تأسیس ورشکستگی خاص تاجر است، از ویژگی‌های حقوق ایران است. اگرچه طبق ماده ۱۵ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴ و تبصره ذیل آن، اشخاص حقوقی نیز مانند تجار در صورتی که مدعی اعسار باشند، باید رسیدگی به امر ورشکستگی خود را درخواست کنند و گستره اشخاصی که توانایی ورشکستگی دارند از تجار به تمامی اشخاص حقوقی افزایش داده شده است. (عبدالهی نیسیانی، ۱۴۰۲: ۴۲)

توقف از پرداخت دین

ورشکستگی ناشی از عدم پرداخت دین است. امروزه قسمت عمده معاملات به صورت اعتباری و نسیه صورت می‌گیرد و عدم توانایی در پرداخت دین از آثار معاملات مذکور می‌باشد که خود معلول اسباب مختلف است. عدم توانایی در پرداخت دین موجب می‌شود تا آینده کاری و امنیت اقتصادی مدیون در معرض مخاطره قرار گیرد. همچنین سبب می‌گردد تا سایر افرادی که به لحاظ اقتصادی با مدیون مرتبط هستند، دچار مشکلات مالی شده و زمینه ورشکستگی دیگران را فراهم آورد.

توقف از پرداخت دین یکی از مباحث دقیق مربوط به ورشکستگی می‌باشد که نیاز به مذاقه و دقت فراوان دارد. رویه قضایی و حقوقدانان در این خصوص دیدگاه‌های متفاوتی ارائه داده‌اند تا بتوانند ابهامات را رفع و زوایای تاریک آن را روشن کنند. برای تحقق یافتن این رکن جهت صدور حکم ورشکستگی شرایط کلی نیاز است. نخست اینکه دین تاجر مسلم باشد. دوم اینکه دین حال و قابل مطالبه باشد و موجد نباشد. (کاویانی، ۱۳۹۹: ۲۰)

ماده ۴۱۲ قانون تجارت توقف را تعریف نکرده، بلکه به ظاهر عبارت اکتفا و مقرر داشته است: «ورشکستگی تاجر یا شرکت تجاری در نتیجه توقف از تأدیه وجوهی که بر عهده اوست، حاصل می‌شود» و این اجمال‌گویی قانونگذار در مورد توقف از تأدیه وجوه از همان ابتدا موجب اختلاف نظرهایی شده و همچنان باقی مانده است و حتی در ماده ۸۸۳ لایحه جدید قانون تجارت، رفع نشده است.

در خصوص توقف، مسئله مهمی که مطرح می‌شود این است که توقف از پرداخت چه دیونی (تجاری یا تجاری و مدنی) موجب صدور حکم ورشکستگی است؟ (منشأ دین) در این قسمت، دکترین و رویه قضایی را مورد بررسی و بحث قرار داده و به پرسش‌های مطروحه پاسخ خواهیم داد. البته با توجه به اینکه قانون تجارت در خصوص تجار و معاملات تجاری است، بدون شک عدم پرداخت دین تجاری از موجبات صدور حکم ورشکستگی می‌باشد و سؤال این است که آیا عدم پرداخت دین غیرتجاری موجب ورشکستگی تاجر می‌شود یا خیر؟

منشأ دین

منشأ در لغت به فتح میم و سکون نون و فتح شین به معنای خاستگاه، سبب و باعث است در فقه و حقوق به اصل، مبدأ و خاستگاه یک رخداد، تصرف و یا پدیده منشأ می‌گویند که در واقع سبب پیدایش آن نیز هست. (انصاری و طاهری، ۱۳۸۴: ۱۹۸۷)

ماهیت و اوصاف دیون

۱. تعداد دین

آیا صرف وجود یک دین کافی برای صدور حکم ورشکستگی است؟ با توجه به اینکه ملاک احراز توقف، فزونی دین بر دارایی تاجر است، لذا اساساً تعداد دیون مطرح نخواهد بود؛ زیرا که دین واحد می‌تواند بیش از ارزش مجموع اموال شخصی مدیون باشد. تاجری که فقط یک دین دارد و ناتوان از پرداخت بدهی است، مانند تاجری است که چند دین دارد و توانایی پرداخت آن را ندارد و این مطلب از اطلاق ماده ۱۵ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی نیز قابل استنباط است. (عبدی‌پور، ۱۳۹۸: ۱۱۱؛ صقری، ۱۳۸۸: ۹۵؛ ستوده تهرانی، ۱۳۸۹: ۱۱۵)

۲. وجه رایج

آیا صرف عدم پرداخت تعهدات پولی موجب صدور حکم ورشکستگی است یا عدم انجام هرگونه تعهد مالی موجب

درخواست ورشکستگی می‌شود. به نظر می‌رسد از یک سو عبارت «وجه» در ماده ۴۱۲ قانون تجارت، ظهور در تعهدات پولی دارد و عبارت وجوه ناظر بر پول و تعهدات پولی دارد. از سوی دیگر، طبق رأی دیوان عالی کشور نیز دلالت بر این دارد که «... دادگاه باید تاریخ توقف را از تاریخی که از عهده پرداخت دیون بر نیامده تعیین کند نه آنکه عدم انجام معامله، مستند تعیین تاریخ توقف گردد». (عبدی‌پور، ۱۳۹۸: ۱۰۷؛ صقری، ۱۳۸۸: ۹۹)

۳. حال بودن

دین از نظر آنکه زمان تعدیه آن فرا رسیده باشد یا خیر، به حال و موجب تقسیم می‌گردد. دین حال به کلیه دیونی اطلاق می‌شود که سررسید و موعد مطالبه آن فرا رسیده باشد و فعلی است یا به علت قانونی تبدیل به دین حال شده باشد. انقضای موعد دین موجب باعث می‌شود که دین حال و قابل مطالبه گردد. دین موجل به دیونی اطلاق می‌شود که هنوز سررسید آن فرا نرسیده است و فعلی و منجز نشده است. بدیهی است توقف در پرداخت، صرفاً در مورد دیون حال صدق می‌کند و در نظام کنونی مطالبات موجل، موجبی برای درخواست ورشکستگی نمی‌باشد و طلبکار باید تا سررسید طلب خویش منتظر باقی بماند، مگر در موارد خاصی که قانون مقرر کرده است، مانند ماده ۲۳۷ قانون تجارت: پس از اعتراض نکول ظهرنویس‌ها و برات‌دهنده به تقاضای دارنده برات باید ضامنی برای تأدیه وجه آن در سر وعده بدهند یا وجه برات را به انضمام مخارج اعتراض‌نامه و مخارج برات رجوعی (اگر باشد) فوراً تأدیه نمایند. ماده ۲۳۸ قانون تجارت: اگر بر علیه کسی که براتی قبول کرده، ولی وجه آن را نپرداخته اعتراض عدم تأدیه شود دارنده براتی نیز که همان شخص قبول کرده، ولی هنوز موعد پرداخت آن نرسیده است، می‌تواند از قبول‌کننده تقاضا نماید که برای پرداخت وجه آن ضامن دهد یا پرداخت آن را به نحو دیگری تضمین کند.

۴. قطعی و مسلم بودن دین

دین مسلم آن است که ثبوت آن بر ذمه مدیون قطعی و انکارناپذیر است و مشروط به امر دیگری نمی‌باشد و مورد اختلاف نیست. اگر دینی مورد اختلاف بین طرفین باشد، نمی‌تواند از موجبات صدور حکم ورشکستگی باشد، حتی اگر اصل بدهی تاجر مسلم باشد، ولی تاجر به استناد ماده ۲۶۴ قانون مدنی آن را ساقط شده اعلام کند، درخواست ورشکستگی چنین تاجری مسموع نمی‌باشد.

عناصر عمومی «تعهد» به شرح ذیل است: اول) رابطه حقوقی بین دو شخص. دوم) حق و تکلیف به صورت مفاهیم کلی و ذهنی. سوم) تغایر طرفین رابطه حقوقی. چهارم) موضوع رابطه حقوقی به صورت فعل یا ترک فعل یا انتقال یا اسقاط. پنجم) متعلق موضوع تعهد که به صورت مفهوم کلی است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲: ۲۰۰؛ امامی، ۱۳۹۸: ۶۷)

گاهی مقصود از تعهد تکلیف یا وظیفه‌ای است که شخص بر عهده گرفته یا به حکم مستقیم قانون برای او ایجاد شده است، به این نوع تعهد التزام می‌گویند. (قاسم‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۵؛ شهیدی، ۱۳۸۵: ۴۱؛ امامی، ۱۳۹۸: ۶۶)

هرگاه تکلیف قانونی یا قراردادی جنبه مالی داشته باشد، آن را دین می‌گویند. (قاسم‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۶)

دین، عنوان بایی مستقل در فقه است که فقیهان اسلامی مفصلاً احکام آن را مطرح کرده‌اند. برخی از فقها احکام دین را تحت عنوان قرض یاد کرده و بعضی هر دو عنوان دین و قرض را با هم یک باب قرار داده‌اند. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲: ۶۸۰) در فقه، دین مال کلی ثابت در ذمه شخصی برای دیگری است. (همان: ۶۷۹) به عبارت دیگر، استحقاق مالی بر ذمه کس دیگر است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲: ۳۳۶؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱: ۱۹۷۰) دین، عهد است و در فقه به هر دو سوی رابطه تعهد، دین می‌گویند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۲۱، ۳۳۳ و ۳۳۴) دین در مقابل طلب قرار دارد. جنبه مثبت التزام مالی را طلب و جنبه منفی آن را دین (بدهی) نام دارد. (همان: ۳۳۳) بدهی در حقوق نوشته یعنی «تکلیف متعهد به دادن مالی یا انجام کار یا خودداری از انجام». (عبدی‌پور، ۱۳۹۸: ۱۰۵)

ذمه مقرر معنوی دین و تعهد است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱: ۱۹۷۰؛ هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲: ۷۱۰) به عبارت دیگر، آنچه در ذمه قرار می‌گیرد، ماهیت کلی است که خود وجود خارجی ندارد، ولی مصادیق آن در خارج موجود است. هرگاه شخصی ببع نسبه انجام می‌دهد یا مالی را قرض می‌کند یا سبب تلف مال دیگری می‌شود، مال کلی به عنوان دین در ذمه او قرار می‌گیرد. گاهی سبب دین اختیاری است، مانند آنکه شخصی مالی را قرض می‌کند. در این مورد «مال کلی» به عنوان «دین» بر «ذمه» او قرار می‌گیرد و به او مدیون می‌گویند و به طرف مقابل طلبکار گویند. ذمه ظرف اعتباری و دین یا مال کلی مستقر شده در ذمه، مظلوف آن است.

اما گاهی سبب دین غیر اختیاری است؛ یعنی به موجب قانون یا قرارداد التزام به تأدیه ایجاد گردد مانند تکلیف به پرداخت نفقه اقارب یا پرداخت مالیات. (عبدی‌پور، ۱۳۹۸: ۱۰۵؛ امامی، ۱۳۹۸: ۲۱)

این دیدگاه در رای شماره ۶۰۹-۱۳۲۶/۱۰/۱۱ شعبه سوم دیوان عالی کشور مورد تأکید قرار گرفته است که «... مطابق ماده ۴۱۲ قانون تجارت ورشکستگی تاجر در نتیجه توقف او از تأدیه وجوهی که بر عهده اوست حاصل می‌شود. بنابراین، اگر دادستان به علت عدم تأدیه بدهی تاجر به یک نفر تقاضای توقف او را بنماید و مشارالیه اظهار کند که بدهی او به شخص مزبور تصفیه شده و بدهی دیگر هم ندارد و به دفاتر خود استناد نماید، دادگاه نباید بدون رسیدگی و تشخیص اینکه وجوهی به عهده او هست که توقف از آن موجب ورشکستگی مشارالیه باشد یا نه، حکم به توقف او بدهد».

مفهوم دین از نظر مدنی

اصطلاحات دین، تعهد، التزام و ذمه در تألیفات حقوقی ایران بسیار به کار رفته است که در ابتدای بحث نیازمند شناخت دقیق مفاهیم و اصطلاحات فوق در حقوق موضوعه ایران و فقه و تمایز آنها هستیم؛ زیرا که در متون حقوقی کشور ما، مرز دقیقی بین مفاهیم فوق ترسیم نشده و بعضاً به جای یکدیگر به کار گرفته شده‌اند.

در حقوق نوشته (رومی - ژرمنی)، قرارداد منبع و منشأ تعهد است و تعهد یعنی رابطه حقوقی که برای یک طرف تکلیف و برای طرف دیگر ایجاد حق می‌کند. اصطلاح تعهد ناظر به چیزی است که یک طرف در مقابل دیگری بر عهده دارد و متضمن دو رکن است: دین و مسئولیت.

البته مفهوم دین در اینجا با مفهوم دین در فقه تفاوت دارد. در حقوق نوشته، دین تکلیف به پرداخت پول یا دادن مال یا انجام کار و خدمت می‌باشد، ولی در فقه یعنی مال کلی مافی‌الذمه است.

واژه تعهد از جمله اصطلاحات به کار رفته در حقوق مدنی ایران است. عبارت تعهد در مواد مختلف قانون مدنی مانند مواد ۱۴۰ و ۲۲۱ قانون مدنی به کار رفته است بدون آنکه تعریفی از تعهد ارائه گردد. (محقق داماد، ۱۳۸۸: ۶۸؛ امامی، ۱۳۹۸: ۶۷؛ امیری قائم مقامی، ۱۳۸۵: ۴۹)

تعهد در اصطلاح حقوقی یعنی رابطه‌ای که به موجب آن شخصی در برابر شخص دیگر مکلف به انتقال و تسلیم مال یا انجام دادن کاری می‌شود گاهی سبب آن عقد است و گاهی الزام قهری. (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۷۱؛ محقق داماد، ۱۳۸۸: ۷۰؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۵)

برخی حقوقدانان تعهد را چنین تعریف کرده‌اند: «تعهد، وضعیت حقوقی است که به موجب آن، شخص معینی به نقل حق عینی یا انجام عمل یا خودداری از عمل مرتبط می‌گردد». (سنهوری، ۱۳۸۲: ۳۱)

۱. نظریه عدم تفکیک بین دیون تجاری و مدنی

در این گفتار ابتدا نظریات حقوقدانان در تألیفات حقوقی را بررسی می‌کنیم و سپس رویه قضائی را مورد توجه قرار می‌دهیم.

۱-۱. دیدگاه حقوقدانان

برخی از محققان معتقدند محکمه مکلف به تفکیک دیون مدنی و تجاری نمی‌باشد (افتخاری، ۱۳۷۹: ۴۱) و تجاری بودن دین موضوعیت ندارد (عبدی‌پور، ۱۳۹۸: ۱۰۹) و دادگاه قطع نظر از تجاری یا مدنی بودن دین اصولاً در کلیه موارد باید از طریق توسل به مقررات ورشکستگی نسبت به تاجر مدیونی که دین خود را نمی‌پردازد، اقدام کند و قانونگذار، هنگام تدوین قانون تجارت توجهی به نوع و ماهیت دین نداشته است و صرف توقف تاجر از پرداخت دین از موجبات صدور حکم ورشکستگی است. نظریه غالب در حقوق ایران این است که دارایی مدنی و بازرگانی تاجر قابل تفکیک نیست (ستوده تهرانی، ۱۳۸۹: ۱۹)، بلکه تفکیک بین دیون مدنی و تجاری امری متعسر است (اسکینی، ۱۳۹۹: ۳۷) و این دسته از حقوقدانان جهت اثبات عقیده خود دلایل زیر را مطرح کرده‌اند:

(۱) ماده ۵ قانون تجارت کلیه معاملات تاجر را تجاری محسوب کرده مگر آنکه ثابت شود معامله مربوط به امور تجاری نیست.

(۲) به موجب ماده ۷۰۸ قانون آیین دادرسی سابق (ماده ۵۱۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی انقلاب در امور مدنی مصوب فروردین ۱۳۷۹)، دادخواست اعسار از بازرگان پذیرفته نمی‌شود و بازرگانی که مدعی اعسار نسبت به هزینه دادرسی است (دینی که جنبه مدنی دارد)، باید طبق مقررات قانون تجارت دادخواست ورشکستگی تقدیم نماید.

(۳) به موجب ماده ۲۷۴ قانون امور حسبی تصفیه ترکه متوفی، در صورتی که متوفی بازرگان باشد، تابع مقررات تصفیه امور ورشکستگی است. (قائم مقام فراهانی، ۱۳۶۷: ۳۶)

(۴) در ماده ۴۱۳ قانون تجارت، «عبارت قروض یا سایر تعهدات نقدی» آمده که قرض جنبه مدنی دارد نه تجاری.

(۵) طبق ماده ۵۳۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، «دادخواست تقسیط جزای نقدی از تاجر پذیرفته نمی‌شود. تاجر که متقاضی تقسیط محکوم به است، باید مطابق مقررات قانون تجارت دادخواست ورشکستگی دهد». بنابراین، ولو اینکه منشأ دین تاجر ناشی از محکومیت وی به پرداخت جزای نقدی به علت ارتکاب جرم باشد؛ یعنی منشأ دین غیرتجاری باشد،

در فقه التزام یا تعهد به معنای تکلیف به انجام عمل یا خودداری از انجام عمل است، مانند شرط فعل که التزام یا تعهدی در ضمن عقد می‌باشد.

بنابراین در فقه اسلامی، هر جا که شخصی مدیون باشد، اصولاً التزام به تأدیه آن دین را نیز دارد، اما گاهی ممکن است دینی در ذمه او نباشد، مانند التزام به عمل به عنوان یک تکلیف قانونی.

مسئله مهمی که در این قسمت جلب توجه می‌کند این است که آیا صرفاً عدم پرداخت دیون تاجر موجب ورشکستگی تاجر می‌گردد یا عدم انجام سایر تعهدات و التزامات مالی نیز از سوی تاجر موجب صدور حکم ورشکستگی وی می‌باشد؟

در فقه، قدر متیقن از دین؛ یعنی مال کلی در ذمه، مانند اینکه شخصی، مالی را از دیگری قرض می‌کند که یک امر وضعی است که موجب اشتغال ذمه مدیون می‌گردد، اما التزامات و تعهداتی که صرفاً جنبه تکلیفی دارند و در ذمه مدیون قرار نمی‌گیرند، دین به معنای فقهی نمی‌باشند و موجب صدور حکم تفلیس مدیون نمی‌گردد، اما در حقوق موضوع و در باب ورشکستگی، به نظر می‌رسد عدم ایفا هرگونه بدهی و تعهد مالی از سوی تاجر که بر عهده او می‌باشد، موجب صدور حکم ورشکستگی است. (عبدی‌پور، ۱۳۹۸: ۱۰۶)

مفهوم دین از نظر حقوق تجارت

اگرچه در خصوص مسلّم و حال بودن دیون تاجر تردیدی نیست، لیکن آنچه در این خصوص مطرح می‌شود این است که توقف از پرداخت کدام دیون موجب صدور حکم ورشکستگی است؟

آیا صرف توقف از پرداخت دیون تجاری جواز صدور حکم ورشکستگی است یا اینکه وقفه در پرداخت دیون مدنی نیز موجب ورشکستگی تاجر می‌باشد؟ مانند مطالبات سازمان تأمین اجتماعی، مالیات معوقه وزارت امور اقتصادی و دارایی یا مهریه همسر و غیره. قانون تجارت در این خصوص صراحتی ندارد، بلکه در ماده ۴۱۲ قانون تجارت با استعمال عبارت «... وجوهی که بر عهده او (تاجر) است»، بسنده کرده و این اجمال‌گویی باعث بروز اختلاف نظرهایی شده است. ماده ۴۱۳ قانون تجارت بر این ابهام افزوده و مقرر داشته: «... وقفه که در تأدیه قروض یا سایر تعهدات نقدی او حاصل شده است...». (شهید، ۱۳۷۹)

نظرات راجع به منشأ دین

حقوقدانان در این خصوص وحدت نظر ندارند و رویه قضایی نیز دچار تشتت آرا است که به بررسی آنها می‌پردازیم.

اظهار کند که بدهی او به شخص مزبور تصفیه شده و بدهی دیگری هم ندارد و به دفاتر خود استناد نماید، دادگاه نباید بدون رسیدگی و تشخیص اینکه وجوهی به عهده او فعلاً هست که توقف از تأدیه آن، موجب ورشکستگی مشارالیه باشد یا نه؟ حکم توقف او بدهد». (همان: ۳۷۹)

۴) از مفهوم رأی وحدت رویه ۱۵۵ مورخ ۱۳۴۷/۱۲/۱۴ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، در مورد عدم استحقاق طلبکاران دارای وثیقه یا فاقد آن در مطالبه خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ توقف چنین استنباط می‌شود که نوع و ماهیت دین تأثیری در تحقق ورشکستگی ندارد.

۲. نظریه تفکیک بین دیون تجاری و مدنی

در مقابل دیدگاه نخست برخی از حقوقدانان معتقدند که تجاری بودن دیون برای صدور حکم ورشکستگی ضروری است؛ زیرا عدم پرداخت بدهی غیر تجاری موجب اختلال در امر تجارت نشده و سبب ورشکستگی نخواهد شد.

۱-۲. دیدگاه حقوقدانان

دکتر کاتبی توقف در پرداخت دیون غیرتجاری را مستلزم ورشکستگی نمی‌داند، مگر آنکه دیون مزبور موجب اختلال در امور تجاری شود و رفع آن نیز مقدور نباشد. (کاتبی، ۱۳۷۵: ۲۶۵) دکتر اعظمی زنگنه نیز معتقد است باید به این موضوع توجه شود تاجر را زمانی می‌توان ورشکست دانست که بابت یک یا چند دین تجاری متوقف شده باشد و الا برای بدهی غیر تجاری که موجب اخلال در انبوه تجارت نسبت به موجب ورشکستگی نخواهد بود. (قلیچ خان و جشمیدی، ۱۳۹۹: ۸)

بعضی از محققان جهت اثبات این دیدگاه که باید بین دیون مدنی و تجاری قائل به تفکیک شد، به رد دلایل مخالفان پرداخته‌اند. (قائم مقام فراهانی، ۱۳۶۷: ۳۷)

۱) ماده ۵ قانون تجارت ضمن اعلام تجاری بودن کلیه معاملات تجاری به عنوان یک اماره قانونی، امکان اثبات مدنی بودن معامله به عنوان یک اماره قضایی نیز تجویز شده است، هرچند که اثبات این امر متعسر است، لکن محال نیست.

۲) هر چند ماده ۷۰۸ قانون آیین دادرسی مدنی (ماده ۵۱۲ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹) قبول دادخواست اعسار در خصوص تاجری که مدعی عدم توانایی تأدیه دیون مربوط به زمان بازرگانی خود می‌باشد منع کرده و تاجر مکلف به دادن دادخواست ورشکستگی نموده است، لکن به نظر می‌رسد که حکم ماده مذکور تنها در خصوص موردی است که تاجر شخصاً مدعی

دادخواست تقسیط جزای نقدی از تاجر پذیرفته نمی‌شود و تاجری که متقاضی تقسیط جزای نقدی (دین غیرتجاری) است، باید مطابق مقررات قانون تجارت دادخواست ورشکستگی دهد.

۶) همچنین مطابق ماده ۱۵ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴ و تبصره ذیل آن مقرر شده است: «دادخواست اعسار از تاجر و اشخاص حقوقی پذیرفته نمی‌شود. این اشخاص در صورتی که مدعی اعسار باشند، باید رسیدگی به امر ورشکستگی خود را درخواست کنند». بنابراین، هرگاه تاجری به موجب حکم دادگاه به پرداخت بدهی به دیگری محکوم شود و تاجر نتواند آن را پرداخت کند، صرف نظر از اینکه محکوم به ناشی از دیون تجاری است یا مدنی، باید دادخواست ورشکستگی خود را به دادگاه تقدیم نماید.

۱-۲. رویه قضایی

۱) دادگاه شهرستان تهران در پرونده کلاسه ۴۱۷/۲۶/۵۰ مورخ ۱۳۵۱/۲/۷ در خصوص عدم تفکیک بین دیون مدنی و تجاری مقرر داشته است: «... رابعاً خلاصه اعتراض راجع به تشخیص حصول وقفه در تأدیه دیون ورشکسته عبارت است از اینکه دین باید تجاری باشد تا عدم پرداخت آن دلیل حصول وقفه در تأدیه دین تاجر قرار داده شود؛ در صورتی که اسنادی که دادگاه آنها را دلیل بر حصول وقفه قرار داده به فرض اعتبار نیز تجاری نبوده که این اعتراض موجه به نظر نمی‌رسد؛ زیرا آنچه مورد نظر قانونگذار در ماده ۴۱۲ قانون تجارت قرار گرفته سلب قدرت پرداخت از تاجر بوده و به نوع دین توجهی نداشته و اصولاً تفکیک دین مدنی از تجاری متعسر است و مقررات ماده ۷۰۸ قانون آیین دادرسی مدنی که قبول دادخواست از بازرگان را، نسبت به بدهی زمان بازرگان بودن، به طور مطلق منع کرده است، مؤید این استنباط می‌باشد...» (قائم مقام فراهانی، ۱۳۶۷: ۶۰)

۲) شعبه ۴ دیوان عالی کشور در حکم شماره ۹۰ مورخ ۱۳۱۷/۰۴/۱۱ مقرر می‌نماید که مراد از وقفه در امور تجاری، عجز تاجری از تأدیه دیون و تعهدات خود است و بالفرض اگر سرمایه تاجری کمتر از دیون او باشد، ولی بتواند به وسیله اعتباری که دارد، تعهدات تجاری خود را ایفا نماید، چنین تاجری متوقف شناخته نمی‌شود. (متبن، ۱۳۸۱: ۳۷۷)

۳) طبق رأی شماره ۱۶۰۹-۱۳۳۹/۱۰/۱۱ شعبه ۳ دیوانی عالی کشور مقرر شد: «مطابق ماده ۴۱۲ قانون تجارت ورشکستگی تاجر در نتیجه توقف او از تأدیه وجوهی که بر عهده اوست، حاصل می‌شود. بنابراین، اگر دادستان به علت عدم تأدیه بدهی تاجر به یک نفر، تقاضای توقیف او را بنماید و مشارالیه

عدم توانایی بر تأدیه دیون خود باشد، ولی در عین حال درخواست صدور حکم ورشکستگی توسط تاجر مانع از اثبات غیرتجاری بودن منشأ دین و ادعای مدنی بودن آن از طرف ذی‌نفع در دعوی نخواهد بود. ضمن آنکه درخواست صدور حکم ورشکستگی توسط تاجر طبق ماده ۵۱۲ قانون آیین دادرسی مدنی مانع از آن نیست که تاجر بر اساس ماده ۵ قانون تجارت بتواند غیرتجاری بودن منشأ دین را ثابت کند و مشمول مقررات ورشکستگی نگردد.

۳) با دقت نظر در مواد ۱۴ قانون تجارت و ۱۲۹۷ قانون مدنی، این نتیجه حاصل می‌شود که دفاتر تجاری در صورتی می‌توانند مورد استناد تاجر دیگر قرار گیرند که دعوی مربوط به امور تجاری باشد و منشأ آن محاسبات و مطالبات تجاری باشد. ۴) فلسفه وضع مقررات ورشکستگی، حمایت از طلبکاران ورشکسته در خصوص معاملات تجاری است و منطقی نیست که به طلبکاران مدنی چنین فرصتی داده شود تا برای مطالبه طلب خود و بر خلاف نظر و میل طلبکاران تاجر سبب نابود شدن تاجر شوند.

۲-۲. رویه قضایی

۱) شعبه ۴ دیوان عالی کشور در رای شماره ۹۱۰ مورخ ۱۳۱۷/۴/۱۱ مقرر داشته است: «اگر تاجری سرمایه او کمتر از دیون او باشد، ولی بتواند به وسیله اعتباری که دارد تعهدات تجاری خود را ایفا نماید چنین تاجری یا شرکت تجاری متوقف شناخته نمی‌شود». (قائم مقام فراهانی، ۱۳۶۷: ۳۶) در این رأی بر ایفای تعهدات تجاری تأکید شده است.

۲) شعبه ۱۰۷ دادگاه عمومی حقوقی تهران دادنامه شماره ۱۶۳۰۰۰۰۲۲۱۰۰۰۹۹۷۰۲۲۱۵ مورخ ۱۳۹۲/۰۲/۱۵ مقرر کرده است که بر اساس نظریه کارشناسی، خوانده توانایی پرداخت دیون خویش را دارد و عدم پرداخت دین به تنهایی و بدون احراز عدم توانایی مالی شرکت از موجبات ورشکستگی نخواهد بود و با توجه به گستردگی فعالیت شرکت خوانده و حجم گردش مالی خوانده اساساً مبلغ دین با توجه به نظریه کارشناسی مبلغی نیست که خوانده توانایی پرداخت آن را نداشته باشد و مراد از وقفه در امور تجاری عجز تاجر یا شرکت تجاری از تأدیه دیون و تعهدات خود است و به فرض اگر سرمایه تاجری کمتر از دیون او باشد، ولی بتواند به وسیله اعتباری که دارد، تعهدات تجاری خود را ایفا نماید، چنین شرکتی متوقف شناخته نمی‌شود و عجز واقعی از پرداخت دیون و انجام تعهدات مورد نظر است و این نظر با رویه قضایی و وضعیت پرونده نیز سازگار می‌باشد. طبق رأی شعبه ۱۰ دادگاه تجدیدنظر استان تهران نیز، دادگاه برای صدور حکم

ورشکستگی شرکت باید عدم توانایی مالی شرکت برای پرداخت دیون را احراز کند و صرف عدم پرداخت یک دین موجب صدور حکم ورشکستگی نخواهد بود.

۳) شعبه ۱۵ دادگاه تجدید نظر استان تهران به موجب دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۱۵۰۰۵۰ مورخ ۱۳۹۲/۱/۲۸ مقرر کرد: «... موضوع ورشکستگی مراجعت به عمل تجاری دارد و شخص تاجر در انجام این عمل ممکن است دچار ورشکستگی شود، ولی دینی که در اثر کلاهبرداری ایجاد می‌گردد، ناشی از عملی است که مشروعیت ندارد... بنابراین، نمی‌توان محکوم علیه کیفری آن هم جرم عمدی کلاهبرداری را به لحاظ عجز از رد مال در ردیف تاجر ورشکسته که در راستای شغل خود بدان دچار شده قرار داد (سیمایی صراف، ۱۳۹۷: ۵۹) و حکم به بطلان دعوای اعلام ورشکستگی صادر شده است. در این رأی نیز صراحتاً تأکید شده، در دعوای ورشکستگی، ملاک عمل تجاری است.

۴) برخی معتقدند رویه قضایی معتبر قائل به تفکیک میان دیون تجاری و غیرتجاری باشد و دیون غیر تجاری را موجب صدور حکم ورشکستگی نمی‌داند (صفری، ۱۳۸۸: ۱۰۹) و این نظر با منطق حقوقی منطبق می‌باشد، هرچند که طلبکاران دیگر در تصفیه اموال به اینکه در ردیف بستانکاران تجاری قرار می‌گیرند حق خواهند داشت متعاقباً یا توأماً دادخواست ورشکستگی علیه تاجر متوقف به مرجع ذی‌صلاح تقدیم کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

منشأ دین در دعوای ورشکستگی در حقوق ایران ذیل عنوان «توقف از پرداخت دین» به عنوان یکی از ارکان دعوای ورشکستگی مورد توجه و بررسی قرار گرفته است و با اندکی دقت نظر از مجموعه مقررات حاکم بر موضوع لزوم درخواست و طرح دعوای ورشکستگی از سوی تاجر به هنگام عدم توانایی در پرداخت دیون و تعهدات مالی می‌توان به نتایج ذیل دست یافت. طبق مقررات، توقف از پرداخت دیون و عدم ایفای هرگونه بدهی و تعهد مالی از سوی تاجر که بر عهده وی می‌باشد، موجب صدور حکم ورشکستگی است و محکمه مکلف به تفکیک دیون مدنی و تجاری نیست و تجاری بودن دین موضوعیت ندارد و تاجر و اشخاص حقوقی در صورت عدم توانایی در پرداخت هزینه دادرسی یا جزای نقدی (محکوم به) که جنبه تجاری ندارند باید مطابق مقررات قانون تجارت دادخواست ورشکستگی دهند.

قانونگذار در مواردی که تاجر فاقد توانایی پرداخت دیونی هستند که جنبه تجاری ندارند، مانند پرداخت هزینه دادرسی یا

واقع‌بینانه و منطقی، عدم تأثیر ماهیت و منشأ دین در دعوای ورشکستگی را پذیرفته‌اند.

در ورشکستگی نیازی به تمایز بین دارایی مدنی و تجاری وجود ندارد و به علاوه چنین تفکیکی از منظر حقوقی، محل اثر نمی‌باشد. اینکه تاجر کدامیک از اموال خود را ناشی از کدام معامله مدنی یا تجاری به دست آورده، اثری در زمینه تحقق ورشکستگی ندارد. به عبارت دیگر، تشخیص اینکه دین ناشی از کدام معامله مدنی یا تجاری، بر ذمه تاجر استقرار یافته، اثری در حصول ورشکستگی ندارد. بنابراین، ماده ۵ و اطلاق ماده ۴۱۲ قانون تجارت دلالت بر آن دارد که هر دینی که به هر علتی بر ذمه تاجر مستقر شده و قابل مطالبه باشد و تاجر ناتوان از پرداخت آن باشد، از موجبات صدور حکم ورشکستگی است.

References

- Ebrahim Esfahani, Amirhossein. (2020). *Kasbeh Jaz from a legal perspective: Rights and duties of Kasbeh Jaz in law and judicial procedure*. Tehran: Avai Oramesh. (In Persian)
- Skinny, Rabia. (2019). *Business Law: Bankruptcy and liquidation of bankrupt matters (with amendments)*. twenty-sixth edition. Tehran: Side. (In Persian)
- Eftekhari, Javad. (1999). *Bankruptcy and liquidation of bankruptcy matters (theoretical and practical)*. First edition. Tehran: Phoenix. (In Persian)
- Emami, Asadullah. (2018). *The law of obligations: historical, analytical and comparative study of obligations*. First edition. Tehran: Mizan. (In Persian)
- Amiri-Qaim Maqami, Abdul Majid. (2005). *Laws of obligations: Generalities of the law of obligations - legal events*. First volume, third edition, Tehran: Mizan. (In Persian)
- Pasian, Mohammad Reza. (2022). *Business Law - Bankruptcy Law*. first edition. Tehran: Ganj Danesh. (In Persian)
- Jarr, Khalil. (2006). *Laros culture: Arabic to Persian*. Translation: Hamid Tabibian. First volume, 16th edition, Tehran: Amir Kabir. (In Persian)
- Jafari Langroudi, Mohammad Jafar. (1998). *Law of obligations*. third edition. Tehran: Ganj Danesh. (In Persian)

محکومیت تاجر به پرداخت جزای نقدی ناشی از ارتکاب جرم، تاجر را مکلف نموده تا مطابق مقررات قانون تجارت رسیدگی به امر ورشکستگی خود را درخواست کنند. ماده ۵۳۹ قانون آیین دادرسی کیفری و ماده ۱۵ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴ نمونه‌ای از مقررات حاکم است که دلالت بر آن دارد که به زعم قانونگذار منشأ دین و ماهیت آن تأثیری در دعوای ورشکستگی ندارد.

- اجمال‌گویی قانونگذار در ماده ۴۱۲ قانون تجارت موجب اختلاف نظر در عقاید حقوقدانان و رویه قضایی نیز شده است، اگرچه به نظر می‌رسد با تصویب ماده ۵۱۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ و سایر مقررات فوق‌الذکر، دکترین حقوقی و رویه قضایی نیز به نحو
- Jafari Langroudi, Mohammad Jafar. (2000). *Philosophy of civil rights*. first edition. Tehran: Ganj Danesh. (In Persian)
- Jafari Langroudi, Mohammad Jafar. (2001). *Expanded on legal terminology*. third volume. third edition. Tehran: Ganj Danesh. (In Persian)
- Jafari Langroudi, Mohammad Jafar. (2002). *A collection of elements*. first edition. Tehran: Ganj Danesh. (In Persian)
- Jafari Langroudi, Mohammad Jafar. (2006). *Al Faraq: General encyclopedia of law*. first edition. Tehran: Ganj Danesh. (In Persian)
- Haj Ali, Nematullah. (2021). *Bankruptcy and Liquidation of Bankruptcy Matters*. second edition. Tehran: Judiciary Press and Publishing Center. (In Persian)
- Dehkhoda, Ali Akbar. (2005). *Dehkhoda Dictionary*. first volume. Tehran: Tehran University Press. (In Persian)
- Rezaei, Ali, Melai Khas, Milad. (2019). "Stopping a businessman from paying debts in the legal system of Iran and the United States". *Scientific Quarterly - Specialized Judgment*, Volume 20, Number 102, pp. 63-85. (In Persian)
- Sotoudeh Tehrani, Hassan. (2009). *Commercial Law*. third volume. Tehran: Dadgstar. (In Persian)
- Sanhoury, Abdul Razzaq. (2002). *Obligation law course: sources of obligation: contract (general rules of*

- contracts) translated by: Mohammad Hossein Daneshkia, Seyyed Mehdi Dammarzi, first volume, first edition, Qom: University of Qom. (In Persian)
- Simai Saraf, Hossein. (2017). *Bankruptcy rights and liquidation of bankrupt property*. first edition. Tehran: Mizan Legal Foundation. (In Persian)
- Shahid, Hossein. (2007). *Study of Unable to Pay Debt Transactions*. Master's Thesis, Qom: Qom University. (In Persian)
- Shahidi, Mehdi. (2015). *Formation of contracts and obligations*. first volume. fifth edition, Tehran: Majd Publications. (In Persian)
- Safari, Mohammad. (2008). *Commercial Law, Bankruptcy*. first volume. second edition. Tehran: Publishing Company. (In Persian)
- Abdulahi Nisiani, Mustafa. (2022). *Analysis of the law on the execution of financial convictions with an emphasis on judicial procedure*. second edition. Tehran: Judiciary Press and Publications Center. (In Persian)
- Abdipour Fard, Ibrahim. (2018). *Business Law*. Volume IV. Bankruptcy Law; Second edition. Tehran: Majd.
- Omid, Hassan. (1995). *Amid's Persian culture*. Sixth edition. Tehran: Amir Kabir. (In Persian)
- Ghasemzadeh, Morteza. (2003). *Civil rights, principles of contracts and obligations*. First edition. Tehran: Judge. (In Persian)
- Farahani's deputy, Mohammad Hossein. (1987). *Commercial law, bankruptcy and liquidation*. Tehran: University of Tehran. (In Persian)
- Qalich Khan, Mina; Jamshidi, Omid. (2019). *The Effect of the Nature of Religion on the Occurrence of Bankruptcy*. Tehran: Chater Danesh. (In Persian)
- Katbi, Hossein Qoli. (1995). *Commercial law*. 7th edition. Tehran: Ganj Danesh. (In Persian)
- Katouzian, Nasser. (2006). *General theory of obligations*. 4th edition. Tehran: Mizan Legal Foundation. (In Persian)
- Kaviani, Korosh. (2019). *Criticism of decisions of the bankruptcy court of Tehran province*. second edition. Tehran: Press and Publications Center of Judiciary Research Institute. (In Persian)
- Mateen, Ahmed. (2008). *The collection of judicial procedure (legal part) including: opinions of branches and general boards of the Supreme Court*. Tehran: Raham. (In Persian)
- Center for Extraction and Studies of Judicial Procedure of the country, (2014). *Collection of Judicial Opinions of Courts of Appeal of Tehran Province*. First Edition, Judiciary: Press and Publications Center. (In Persian)
- Mohaghegh Damad, Seyyed Mustafa. (2008). *General Theory of Terms and Obligations in Islamic Law*. Tehran: Islamic Sciences Publishing Center. (In Persian)
- Mohammadzadeh Vadaghani, Alireza. (2016). *Business Law (4) Bankruptcy and liquidation*. second edition. Tehran: Majd. (In Persian)
- Mohammadi, Sam; Jamshidi, Omid; Jamshidi, Madh. (2018). "The effect of civil (non-commercial) religion on the occurrence of bankruptcy". *Legal Research Journal*, No. 40, pp. 265-296. (In Persian)
- Moin, Mohammad. (2006). *Farhang Moin* (Persian single volume). Third edition. Tehran: Zarin. (In Persian)
- Mehrabi, Farhad. (2009). *Laws governing bankruptcy and liquidation*. Tehran: Taimaz. (In Persian)
- Hashemi Shahroudi, Mahmoud. (2002). *The culture of jurisprudence according to the religion of Ahl al-Bayt, peace be upon them*. first volume, first edition, Qom: Institute of Encyclopedia of Islamic Jurisprudence. (In Persian)
- <https://qavanin.ir/Law/PrintText/181332>
<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/101610>